

اشاره:

تحقیق «دکتر طلال عتربسی» عضو هیأت مشاوران علمی فصلنامه مطالعات خاورمیانه، تحت عنوان «چهره ایرانیان در کتابهای درسی کشورهای عربی» که در شماره گذشته فصلنامه به چاپ رسید، با استقبال اساتید، پژوهشگران، و خوانندگان محترم روبرو شد. در این شماره، به منظور ارائه و تکمیل این بحث، تحقیق مشابهی را تحت عنوان «تصویر اعراب در کتابهای درسی ایرانیان» به قلم آقای دکتر غلامعلی حداد عادل، استاد دانشگاه تهران که عضو هیأت مشاوران علمی فصلنامه نیز هستند، منتشر می‌کنیم. ضمناً یادآوری می‌شود که هر دو پژوهش در نخستین سمینار «روابط اعراب - ایرانیان: گرایشهای کنونی و افقهای آینده» که در اواخر شهریور ماه ۱۳۷۴ به ابتکار مرکز مطالعات وحدت عربی (بیروت) و همکاری مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه (تهران) و میزبانی دانشگاه قطر در دوحه با شرکت جمع کثیری از نخبگان فکری جهان عرب و ایران، برگزار شد، ارائه شده است. فصلنامه مطالعات خاورمیانه به یاری خداوند متعال به انتشار مهمترین مقالات و پژوهشهای عنوان شده در این سمینار، در شماره های آینده خود ادامه خواهد داد.

توصیف و تحلیل و ارزیابی «سیمای اعراب در کتابهای درسی جمهوری اسلامی ایران» بدون توجه تام و تمام به «انقلاب اسلامی ایران» ممکن نیست. به طور کلی بحث «سیمای اعراب» در نظر حکومت ایران در دوران معاصر به دو دوره مشخص پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن تقسیم می‌شود و پیروزی انقلاب، حقا مفصل دو بخش جدا از هم، با هویت و ماهیتی بکلی متفاوت است. در دوره قبل از پیروزی انقلاب، بینش دولتمردان و رجال سیاسی و نظریه پردازان فرهنگی حاکم بر ایران، به تقلید از گرایشهای افراطی ناسیونالیستی قرن نوزدهمی رایج در کشورهای غربی و نیز سلطه استعماری قدرتهای بیگانه بر ایران بینشی میهن دوستانه بوده که اهم مشخصات آن چنین بوده است.

۱) ترجیح عنصر قومیت ایران بر عنصر دیانت اسلامی در تعریف و ارزیابی از هویت ملیت ایران در تاریخ گذشته و حال حاضر.

- ۲) اهمیت دادن فوق العاده به ایران پیش از اسلام (ایران باستان) و ستایش اندیشه‌ها و آرمانهای این دوره از تاریخ ایران، بدون ذکر معایب و مفاسد سیاسی و اجتماعی آن.
- ۳) توصیف فتح ایران به دست اعراب به عنوان هجوم وحشیانه یک قوم بی فرهنگ و بیابانگرد به یک تمدن باشکوه و درخشان، و اعراب را مسئول انحطاط و زوال عظمت ایران باستان و حتی عقب ماندگی امروز ایران دانستن.
- ۴) بی توجهی به جامعه جهانی مسلمانان یا «اسلامی» و طبعاً بی توجهی به «جهان عرب» به عنوان بخش قابل توجهی از این سیاست.
- ۵) پیروی بی چون و چرا از سیاستها و روشهای حکومت‌های غربی به ویژه، ایالات متحده آمریکا نسبت به اعراب و کشورهای عربی و تبعیت محض از سیاست آمریکا در خصوص مسأله اعراب و اسرائیل.
- ۵) کوشش در معرفی «تشیع» به صورت یک واکنش ایرانی در مقابل حمله اعراب به ایران.
- در مقابل این مواضع، حکومت اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) مواضع دیگری اتخاذ کرده است که ذیلاً به آنها اشاره می‌کنیم.
- ۱) پرهیز از ایجاد تضاد میان دو عنصر «قومیت ایرانی» و «دیانت اسلامی»، و اسلام و مسلمانی را یکی از ارکان قومیت ایران بل رکن رکن و اساسی آن دانستن و سازگار شمردن این رکن با سایر ارکان ملیت از قبیل زبان و بسیاری از آداب و رسوم سنن ملی.
- ۲) خودداری از ستایش بی اندازه از ایران باستان و بررسی انتقادی اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی جامعه ایران قبل از اسلام.
- ۳) واقعه سقوط دولت ساسانی را ناشی از ضعف و انحطاط آن دولت و قدرت ایمان اعراب نو مسلمان و حق طلبی عامه مردم ایران و نارضائی آنان از حکومت ساسانی دانستن.
- ۴) معرفی جامعه ایران به عنوان عضوی از خانواده بزرگ امت اسلامی، که عضو دیگر آن جامعه عربی است و توجه به اهمیت این عضو به دلیل همسایگی جغرافیایی با ایران در منطقه خاورمیانه.

۵) اتخاذ موضع سیاسی مستقل و اسلامی در مسأله اعراب و اسرائیل و دفاع از آرمان فلسطین و مخالفت قاطع با سیاست دولتهای غربی خاصه آمریکا.

اکنون سعی خواهیم کرد که «سیمای اعراب را در کتابهای درسی جمهوری اسلامی ایران» در پرتو مواضع شش گانه مذکور در فوق و با عنایت به مواضع حکومت ایران در سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بیان کنیم و حتی الامکان با رعایت اختصار شاهدهی به دست دهیم.

## الف: ایران و اسلام

در کتابهای جمهوری اسلامی ایران در عین حال که به ایران و هویت و ملیت ایرانی توجه کافی شده و حتی قومیت های تشکیل دهنده ملیت ایرانی نیز محترم شمرده شده اند، اسلام به عنوان ستون استوار این هویت و ملیت معرفی شده و رکن اصلی فرهنگ ایران در چهارده قرن اخیر قلمداد شده است. در حقیقت بینش مؤلفان و برنامه ریزان نه بر پایه ایجاد تضاد میان ایران و اسلام بلکه بر پایه معرفی «ایران اسلامی» بوده است. تأثیر این بینش موجب شده تا جلوه های گوناگون اعتقاد به اسلام در تاریخ گذشته و جامعه امروز ایران به صور مختلف در کتابهای درسی مطرح شود و از درج هرگونه مطلبی توهین آمیز نسبت به دیگر اقوام مسلمان و خصوصاً اعراب که نتیجه آن تضعیف همبستگی اسلامی و تضعیف اسلام است، جلوگیری بعمل آید.

توجه به همین عنصر دیانت اسلامی در کتابهای درسی سبب شده تا بعضی از منتقدان لائیک کتابهای درسی جمهوری اسلامی ایران که از لحاظ فکری گرایشهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را حفظ کرده اند اظهار کنند که کتابهای درسی جمهوری اسلامی ایران در هر ماده درسی اعم از درس دینی یا فارسی یا تاریخ و یا علوم اجتماعی به صورت «کتاب دینی» درآمده است. ریشه این انتقاد همان اندیشه سکولاریستی منتقدان مزبور است که با «ملیت» بدون دیانت سازگارتر است تا «ملیت دینی». البته بعضی از افراطها و بی تناسبی های موجود در کتابهای درسی بعد از انقلاب نیز به آنان در اثبات مدعایشان کمک کرده است.

ب.

در کتابهای درسی جمهوری اسلامی ایران، دیگر اثری از آن روحیه باستان‌گرایی و شوونیستی گذشته که ایران باستان را مدینه فاضله گمشده ایرانیان معرفی می‌کرد وجود ندارد و در عین حال که تا حدودی به واقعیات مثبت جامعه ایرانی قبل از اسلام اشاره شده، از ذکر معایب و مفاسد فکری و اخلاقی و اجتماعی حکومت‌های ایران قبل از اسلام خودداری نشده است. البته آموزش تاریخ سلسله‌های پادشاهی قبل از اسلام همچنان در برنامه درسی دانش‌آموزان قرار دارد.

ج.

در کتابهای درسی در تبیین علل شکست لشکریان ساسانی از سپاه اعراب شواهدی از ضعف و فروپاشی درونی حکومت ساسانی ذکر شده و نمونه‌هایی از بی‌کفایتی و ظلم و استبداد و هوسرانی پادشاهانی از قبیل خسرو پرویز بیان شده است. در این کتابها، برخلاف کتابهای قبل از انقلاب، «شاهنشاهی» دیگر یک حقیقت یا موهبت آسمانی نیست که از هر گونه عیب و نقص مبری و منزّه باشد، بلکه شاهنشاهی به سبب خصلت استبدادی ذاتی خود عامل اصلی و عمده مصائب و مشکلات دیروز و امروز ملت ایران معرفی شده است. به عنوان نمونه از شاهنامه فردوسی داستان کفشگری آورده شده است که حاضر شده بود کسری بودجه دولت انوشیروان را در جنگ از محل ثروت شخصی خود تأمین کند و تنها تقاضای او این بود که انوشیروان به فرزند او اجازه تحصیل و آموختن خواندن و نوشتن بدهد و انوشیروان در جامعه طبقاتی و کاستی آن روزگار این تقاضا را رد کرد و ننگ ورود یکی از فرزندان طبقه پیشه‌ور را به حریم مخصوص طبقات بالاتر جامعه نپذیرفته بود. این داستان با آنکه در شاهنامه فردوسی موجود بود هرگز محل اعتنای نویسندگان کتب درسی قبل از انقلاب قرار نگرفته بود.

در کتابهای درسی جمهوری اسلامی از قدرت ایمان اعراب نومسلمان در حمله به ایران یاد شده و بر نتایج مثبت اسلام آوردن ایرانیان و نقش اسلام در اعتلاء جامعه ایرانی بعد از اسلام و نیز بر سهم مهم ایرانیان در فرهنگ و تمدن اسلامی به تفصیل تأکید شده است. به طور

خلاصه بینش کلی در این باب، همان اندیشه‌ی است که استاد مرتضی مطهری، چندین سال قبل از پیروزی انقلاب در کتاب مهم خود به نام «خدمات متقابل اسلام و ایران» مطرح کرده‌اند. برای آنکه نمونه‌ای از مطالب مندرج در کتابهای درسی قبل از انقلاب به دست داشته باشیم، توجه خوانندگان را به عبارات زیر که از کتاب فارسی دانشسرای تربیت معلم در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی یا ۱۹۷۴ میلادی نقل شده جلب می‌کنیم:

«شاهنشاهی ساسانیان به دست مشتی عرب بیابانی منقرض می‌گردد. نظم و آبادانی و کامرانی ایرانیان به بی‌نظمی و ویرانی و نامرادی مبدل می‌شود. منبر جای تخت را می‌گیرد و سرزمین فریدون و کیخسرو و زردشت و اسفندیار و اردشیر و شاپور و پرویز مسکن روباه و کفتار می‌گردد. هم نژادان و فرزندان کاوه و رستم و گودرز و جویبینه محکوم مشتی زاغ‌ساران اهرمن چهره می‌شوند که شیر شتر و سوسمار بهترین خوراک آنان است. از آمیزش خون دهقان و ترک و تازی نژادی پدید می‌آید که خیانت و رشوه‌خواری و بزدلی و نامردی و آزاده‌کشی تنها هنر آنان است. ذوق و ظرافت و زیبایی و بزرگی نژاد رخت‌برمی‌بندد و افکار و اصول سامی جای آیین و عادات آریایی را می‌گیرد...»

۵

در کتابهای درسی جمهوری اسلامی ایران، «امت» به عنوان یک واحد اجتماعی و فراگیر که شامل واحد کوچکتر «ملت» است معرفی شده و ملت ایران عضوی از امت اسلامی دانسته شده است. در این کتابها هرگونه برتری نژادی و اندیشه‌شوونیستی با استناد به تعالیم قرآنی از قبیل آیه «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» مردود دانسته شده و بارها و بارها همه مسلمانان به حکم آیه «انما المؤمنون اخوة» برابر و برادر معرفی شده‌اند.

همبستگی میان ملل و اقوام مسلمانان به عنوان یک اصل ضروری، همه‌جا محترم شمرده شده و به همین سبب بعد از پیروزی انقلاب برای نخستین بار یک کتاب درسی به نام «جغرافیای کشورهای مسلمان» که احتمالاً تنها کتاب درسی پیش دانشگاهی در این موضوع در همه جهان باشد، تألیف شده و در برنامه درسی رشته ادبیات و علوم انسانی دبیرستانها

قرار گرفته است.

در کتابهای درسی داستان شاپور ذوالاکتاف که شانه‌های اعراب را سوراخ کرده بود و با رد کردن طناب از آن سوراخها، اعراب را به بند کشیده بود و به اسارت آورده بود ذکر نمی‌شود، بلکه همه جا در ذکر داستانهای اسلامی و بیان حوادث مربوط به زمان پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام، به اقتضای وقایع مربوط به جامعه عربی آن دوران، از اعراب یاد می‌شود و تصاویر فراوانی از اعراب در جامعه عربی در این داستانها ترسیم گردیده است.

نکته مهمی که در اینجا باید بدان توجه کرد این است که علی‌رغم جنگ هشت ساله‌ای که از سوی یک کشور عربی همسایه در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر ملت ایران تحمیل شد، و صدمات فراوان جانی و مالی و فرهنگی که از این جنگ بر کشور ایران وارد آمد، و علی‌رغم حمایتی که بعضی از دولتهای عربی منطقه از آن کشور عربی کردند در هیچ یک از کتابهای درسی، عبارت یا جمله‌ای وجود ندارد که اعراب را منشأ و عامل این جنگ معرفی کند و آتش کینه و اختلاف میان ایرانیان و اعراب را دامن زند. حتی در یکی دو درس که به جمعۀ خونین مکه و کشتار زائران ایرانی خانۀ خدا اختصاص دارد، مردم عرب مسئول و مقصران حادثۀ وحشتناک معرفی نشده‌اند.

یکی دیگر از اقداماتی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در خصوص کتابهای درسی صورت گرفته و بر رابطه ایرانیان با اعراب تأثیر مثبت نهاده است تدریس درس عربی در همه پایه‌های درسی بعد از دوره ابتدایی تا مرحله ورود به دانشگاه است. این ماده درسی نه تنها از آن حیث که باب مکالمه و مفاهمه با دنیای عرب را تا حدودی به روی نسل آینده ایران باز می‌کند قابل توجه است، از آن حیث که در کتابهای درسی زبان عربی نیز مواد و مطالب مستندی برگرفته از منابع عربی قدیم و جدید وجود دارد اهمیت پیدا می‌کند. از جمله درسهای این کتابها، درسی درباره امت اسلامی با عنوان «الوطن الکبیر» و درس دیگری تحت عنوان «ابن هشام» دانشمند عرب مصری و شعری از ابوالقاسم شابی، شاعر معاصر تونسسی تحت عنوان «ارادة الحیاة» و نیز قسمتی از قصیده لامیه ابن وردی شاعر و ادیب معروف عرب است. علاوه بر این در لابلای مطالب این کتابها نیز به تناسب از بزرگان و ادیبای عرب از

قبیل شریف رضی و امام شافعی و دعبل و فرزدق و صفی الدین حلی نام برده شده و حتی به شخصیتی مانند «جحا» نیز اشاره شده است.

در کتابهای تاریخ عمومی نیز در دوره های ابتدایی و راهنمایی درسهای مستقلى به تاریخ دوران سه خلیفه اول اختصاص یافته و در رشته ادبیات و علوم انسانی نیز کتاب سال دوم به تاریخ اسلامی و خلافت اسلامی از دوره جاهلیت تا پایان قرن چهارم هجری؛ و تکیه بر جغرافیای سرزمین عربستان اختصاص دارد. در کتاب تاریخ سال اول دبیرستان نیز شرح تمدنهای بین النهرین آمده است که اقوام سامی در آن تمدنها نقش عمده ای داشته اند. کتاب تاریخ سال سوم نیز به بحث درباره ظهور اسلام و دولتهای عرب از آغاز تا پایان عصر بنی عباس می پردازد.

هـ.

بیگمان باید گفت که آنچه در کتابهای درسی جمهوری اسلامی ایران درباره سرزمین فلسطین و ماجرای اعراب و اسرائیل آمده، مهمترین تحولی است که پس از انقلاب در خصوص اعراب در کتابهای درسی ایجاد شده است. در همه دوره های تحصیلی و در بسیاری از کتابهای درسی، خصوصاً کتابهای فارسی و دینی و تاریخ و عربی، درسهای متعددی درباره صهیونیسم و توطئه اشغال فلسطین و سرنوشت غم انگیز فلسطینیان و اخیراً مردم لبنان و نیز مبارزات ملت های عرب و سایر مسلمانان با اشغالگران آمده است.

در جمهوری اسلامی ایران سعی بر آن است که در وجدان نسل آینده نسبت به قضیه فلسطین خودآگاهی ایجاد شود تا اندیشه مبارزه برای رهایی فلسطین اشغالی فراموش نگردد. درسهای مربوط به فلسطین معمولاً با تصاویری از چهره های عربی و بعضاً اشعاری از سرودهای عربی همراه است.

و.

برخلاف کتابهای درسی رژیم گذشته، در کتابهای درسی جمهوری اسلامی ایران تشیع

به عنوان واکنش ایرانیان در مقابل اعراب سنی مذهب قلمداد نشده بلکه در این کتابها اثبات می‌شود که فراگیری امروزی مذهب شیعه در ایران علل و عواملی غیر از آنچه ملی‌گرایان تصور می‌کنند دارد و بسیاری از ایرانیان از آغاز ورود اسلام به ایران تا قرن دهم هجری سنی مذهب بوده و حتی مؤلفان صحاح سته اهل سنت بخاری و ترمذی و نیشابوری و قزوینی بوده‌اند و این فرضیه پایه علمی درستی ندارد.

در مجموع اگر بخواهیم درباره نحوه حضور اعراب در کتابهای درسی امروزی ایرانیان گزارشی جامع و مختصر بدست دهیم باید بگوییم انگیزه اصلی توجه به اعراب در این کتابها اسلام است و رابطه اسلام و قرآن با زبان عربی و تولد و نشو و نمای اسلام در سرزمینهای عربی و درآمیختگی تاریخ صدر اسلام با تاریخ و جغرافیای سرزمینهای عرب، سبب شده است که اعراب در کتابهای درسی حضوری نسبتاً چشمگیر و وسیع داشته باشند. مسأله فلسطین نیز عامل مهم دیگری برای یاد کردن از اعراب است. می‌توان گفت حضور اعراب در کتابهای درسی جمهوری اسلامی ایران بیشتر مربوط به تاریخ گذشته است و آنچه به زمان معاصر مربوط می‌شود عمدتاً از قضیه فلسطین تجاوز نمی‌کند و از سایر جریانات و وقایع فرهنگی و تمدنی دنیای معاصر عرب در کتابهای درسی جمهوری اسلامی ایران تقریباً نشانی وجود ندارد و پیداست که این نقیصه، عیب بزرگی است. علت این خلأ را باید در درجه اول همان جنگ هشت ساله‌ای دانست که پیش از این بدانها اشاره کردیم. در اثر این جنگ در جامعه ایران زمینه روحی و آمادگی روانی لازم برای بسط مناسبات فرهنگی با دنیای عرب، تا حدود زیادی از میان رفته است و در حال حاضر تبادل فرهنگی قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد. خصوصاً که آثار و تبعات جنگ هنوز هم بکلی از میان نرفته و هنوز هم ابرهای تیره از افق روابط دنیای عرب و ایران زدوده نشده است.

می‌توان حدس زد که حضور ایران در کتابهای درسی کشورهای عربی به مراتب از حضور اعراب در کتابهای درسی ایران کمتر باشد، زیرا اگر برای ایرانیان، توجه به اسلام مستلزم توجه به اعراب بود، برای اعراب چنین ملازمه‌ای وجود ندارد. غیبت جریانات فکری و ادبی و فرهنگی دنیای عرب از فضاهاى فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و از



جمله کتابهای درسی، و نیز ناگفته ماندن حقایق مربوط به ایران و اعراب و وجود آن همه اشتراکات دینی و فکری و فرهنگی و تمدنی و درد و رنج مشترک این دو ملت، به ما حق می دهد این مقاله را با بیتی از یک شاعر ایرانی به پایان آوریم که می گوید:

بیگانگی نگر که من و دوست چون دو چشم  
همسایه ایم و خانه هم را ندیده ایم

### خلاصه مطالب

۱- می توان گفت که هنوز توصیف ایران قبل از اسلام در کتابهای درسی جمهوری اسلامی به وضعیت تثبیت شده ای نرسیده است. این احتمال وجود دارد که چون حکومت پهلوی پشت حکومتهای شاهنشاهی ایران قبل از اسلام سنگر گرفته بوده، مردم ایران از شدت نفرت نسبت به آن حکومت در پیروزی انقلاب هم حکومت پهلوی و هم آن سنگر را باهم طرد و نفی کرده باشند. غرض از این سخن تطهیر و تنزیه حکومتهای شاهنشاهی ایران قبل از اسلام نیست، بلکه اشاره به تأثیری است که نفرت از حکومت پهلوی در تاریخ نگاری ایران باستان، مخصوصاً، به جا نهاده است.

۲- در این کتابها به مسئله فلسطین و قدس پرداخته شده است:

- فارسی دوم ابتدایی درس «نامه ای به یک کودک فلسطینی».

- فارسی سوم ابتدایی درس «نوجوانی از فلسطین».

- عربی سال اول راهنمایی، تصویری از «قدس».

- عربی (۲) نظام جدید متوسطه درسی درباره «انتفاضه».

- در عربی سال سوم علوم انسانی (متوسطه) دو درس وجود دارد یک درس شعری است با عنوان «یا قدس» و دیگری درس «شرایط الاخبار» که در آن به مسئله انتفاضه پرداخته شده است.

۳- «تاریخ نویسان نوشته اند که روزی مرد کفاشی نزد انوشیروان رفت و به او گفت که حاضر است دارایی خود را به او بدهد تا خرج لشگرش کند و در مقابل اجازه دهد که پسرش

درس بخواند. انوشیروان خواهش او را نپذیرفت و جواب داد که مردم عادی حق درس خواندن ندارند. (کتاب تعلیمات اجتماعی سال چهارم ابتدایی، چاپ ۱۳۷۳، ص ۱۲۳).

۴- در کتاب تعلیمات اجتماعی چهارم دبستان (چاپ ۱۳۷۴) درس مستقلی تحت عنوان «امت اسلامی» وجود دارد که عباراتی از آن نقل می شود: «امت اسلامی جامعه ای است که از مجموع مسلمانان جهان تشکیل می شود... مسلمانان همه به خدای واحد یعنی الله اعتقاد دارند و پیامبر آنان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و کتاب آسمانیشان قرآن است و همه رو به یک قبله نماز می خوانند... حکومت‌های فاسد سعی می کنند مردم هر منطقه از کشورهای اسلامی را به بهانه تفاوت در رنگ پوست و زبان و نژاد از سایر مسلمانان جدا کنند... ما مردم مسلمان ایران که جزء امت اسلامی هستیم می کوشیم تا پیوند خود را با سایر مسلمانان جهان محکم کنیم.»

۵- «شاپور نخست از راه خلیج فارس با کشتی به سواحل عربستان حمله برد و بسیاری از اعراب را که در زمان کودکی او به ایران تاخته بودند کشت و شهرهای ایشان را آتش زد و چنانکه مورخان قدیم نوشته اند فرمان داد شانه های برخی از ایشان را سوراخ کردند و از آن ریسمانی گذراندند و به همین سبب اعراب او را ذوالاکتاف خواندند که به معنی صاحب شانه هاست.» تاریخ برای سال چهارم ادبی سال ۱۳۴۶. □

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی